# 950121-733

**‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌شنبه – جلسۀ 107**

**أعوذ باللّه من الشیطان الرجیم بسم اللّه الرحمن الرحیم الحمد للّه ربّ العالمین و صلّی اللّه علی سیّدنا محمّد و آله الطاهرین سیّما بقیّة اللّه في الأرضین و اللعن علی أعدائهم أجمعین.**

بحث راجع به استثنائات در وجوب مبیت به منی بود.

استثناء اول این بود افرادی که معذورند می‌توانند ترک کنند مبیت به منی را.

استثناء دوم این بود که کسانی که مشغول عبادت در مکه هستند در تمام شب، می‌توانند ترک کنند بیتوته در منی را که ما اشکال کردیم و گفتیم این حکم مختص است به اشتغال به مناسک حج.

اما این‌که چه زمانی این‌ها به مکه برگردند چه زمانی کسانی که مشغول مناسک حج هستند به منی برگردند این حکمی است که بعدا توضیح خواهیم داد. اما اگر فرض بشود که تمام شب را مشغول عبادت به این نحو که اتیان کند به اعمال حج و مستحبات آن و مقدمات آن، و دیگر نتواند به منی برگردد این کار اشکالی نخواهد داشت. و ما این را هم پذیرفتیم که در نیمه دوم اگر مشغول مناسک حج بشود این هم وجوب مبیت به منی از او ساقط می‌شود؛ لازم نیست از ابتداء شب مشغول مناسک حج باشد.

ما از یک حیث با فرمایش مرحوم آقای خوئی که فرمود استثناء دوم اشتغال به عبادت در مکه هست فی تمام لیلته که در این صورت می‌تواند مبیت به منی را ترک کند،‌ از یک جهت به ایشان مخالفت کردیم؛ گفتیم که این حکم مختص به مناسک حج هست. از یک حیث دیگر هم ما به ایشان اشکال کردیم؛ گفتیم این‌که شما منحصر کردید اشتغال به عبادت را حالا یا مطلقا یا در خصوص مناسک حج به این‌که در طول تمام شب یا بعد از بیرون آمدن از منی و لو اوائل شب باید مشغول عبادت در مکه بشود این خلاف ظاهر روایات هست. ظاهر روایات همان‌طور که آقای سیستانی فرمودند این است که کافی است اشتغال به عبادت در نیمه دوم از شب بیتوته در منی. نیمه اول را می‌تواند در منزل استراحت بکند نیمه دوم را مشغول عبادت بشود که البته فرق ما با فرمایش آقای سیستانی این بود که ایشان اشتغال به مطلق عبادت را کافی می‌دانست ما منحصر کردیم اشتغال به عبادت را به خصوص اشتغال به مناسک حج.

استثناء سوم که در کلام مرحوم آقای خوئی مطرح بود این هست که کسی که طواف کرد و سعی کرد و از مکه بیرون آمد، مثلا شب یازدهم و یا شب دوازدهم، اگر تصمیم گرفت بیرون مکه بخوابد، به منی نیاید، اشکالی ندارد. این استثناء سوم در خصوص کسی است که مشغول مناسک حج بوده. بر خلاف استثناء دوم که از نظر آقای خوئی و جمعی از بزرگان که می‌فرمودند من اشتغل بالعبادة فی مکة‌ یجوز له ترک المبیت بمنی در این استثناء دوم فرقی بین اشتغال به مناسک حج یا سائر عبادات نگذاشتند اما استثناء سوم در خصوص کسی است که مشغول مناسک حج بود و چند ساعت قبل از اذان صبح مناسک حجش تمام شد. از مکه قدیمه بیرون آمد، ایشان مرحوم آقای خوئی در مناسک فرمودند که یجوز له ان یبیت فی الطریق دون ان یصل الی منی. اصراری نیست که او به منی برگردد. می‌تواند خارج مکه قدیمه در راه بخوابد و بین مکه قدیمه و منی هر کجا خواست بیتوته کند؛ بخوابد. و این هیچ اشکالی ندارد. کفاره هم بر او ثابت نیست.

دلیل ایشان در این استثناء سوم برخی از روایات هست. یکی صحیحه محمد بن اسماعیل هست عن ابی الحسن علیه السلام فی الرجل یزور فینام دون منی فقال علیه السلام اذا جاز عقبة المدنیین فلاباس ان ینام. موضوع در این صحیحه محمد بن اسماعیل زیارة البیت است نه مطلق اشتغال به عبادت و لذا آقای خوئی فرمود استثناء سوم مختص است به کسی که طاف بالبیت. فینام دون منی، قبل از منی می‌خوابد، امام فرمود اگر از عقبة المدنیین که حد مکه قدیمه هست گذشته باشد اشکال ندارد.

در صحیحه جمیل بن دراج آمده است: من زار فنام فی الطریق فان بات بمکة فعلیه دم و ان کان قد خرج منها فلیس علیه شیء و ان اصبح دون منی. اگر کسی که زیارة البیت کرد در راه خوابید، ببینیم در مکه خوابیده است یعنی در مکه خوابیده است، باید کفاره بدهد. اگر از مکه خارج شده، کفاره‌ای بر او نیست و لو اذان صبح به منی نرسد؛ و ان اصبح دون منی.

صحیحه سوم صحیحه هشام بن حکم عن ابی عبدالله علیه السلام: اذا زار الحاج من منی فخرج من مکة فجاز بیوت مکة فنام ثم اصبح قبل ان یأتی منی فلاشیء علیه. این هم به همان مضمون صحیحه جمیل است. فرمود وقتی حاج از منی رفت مکه برای زیارة البیت برای طواف، بعد از طواف از مکه بیرون آمد، خوابید، و اذان صبح به منی نرسید ثم اصبح قبل ان یاتی منی فلاشیء علیه چیزی بر او نیست.

و لذا این حکم روشن است. من طاف بالبیت فخرج من مکة فنام فلابأس و لا کفارة علیه.

اما دو مطلب اینجا مفید است که عرض بشود:

مطلب اول این است که این قیدی که مرحوم آقای خوئی زد فلاباس ان ینام فی الطریق این قید فی الطریق چه نیازی داشت؟ فنام فی الفندق چرا فنام فی الطریق؟ اطلاق دارد. صحیحه محمد بن اسماعیل می‌گوید: الرجل یزور فینام دون منی قال اذا جاز عقبة ‌المدنیین فلاباس ان ینام و لو بعد از عقبة المدنیین و قبل از منی به خیمه‌هایی رسید حال یا خیمه‌های کاروان خودش بود یا خیمه‌های حجاج دیگر بود از آن‌ها اذن گرفت گفت اجازه بدهید در این خیمه‌ها چند ساعتی بخوابم. حتما باید نام فی الطریق باشد؟ اگر مراد از طریق یعنی بعد از عقبة المدنیین متوجه الی منی بود، اگر مراد این است حرفی نیست یعنی اشکال ندارد که برود در هتل بین راه. هتلش در معابده است نه این‌که برود یک سمت دیگر مکه که به منی نمی‌رسد. از طرف مسجد الحرام بیاید به سمت منی برسد به معابده مثلا و هتلش در همانجا است، برود در هتل بخوابد، اذان صبح را هم به منی نرسد، اشکالی ندارد. اگر مقصود آقای خوئی از طریق یعنی در مسیر بیرون مکه تا منی و لو هنگامی که می‌خواهد بخوابد برود در هتل‌های اطراف آن خیابان در مسیر منی بخوابد اگر مقصود این است، که حرف درستی است. اما اگر مقصودشان این است که نام فی الطریق أی نام فی الشارع نخیر؛ این درست نیست. این صحیحه محمد بن اسماعیل اطلاق دارد.

[سؤال: ... جواب:] صحیحه هشام هم اطلاق دارد: اذا زار الحاج من منی فخرج من مکة‌ فجاز بیوت مکة فنام ندارد فنام فی المسیر و الطریق. نام و لو خیمه‌ای بود در حواشی آن راه منی رفت از صاحب خیمه اذن گرفت و در خیمه گرفت خوابید. به این نمی‌گویند نام فی الطریق. مگر این‌که بگویید مقصود ما اعم است. مقصود ما شامل این فرض هم می‌شود و لو برود در هتل بخوابد که این صحیحه هشام هم اطلاق دارد.

مطلب دومی که می‌خواهیم عرض کنیم این است که الان مکه وصل شده تقریبا به منی. این‌که عرض می‌کنیم تقریبا یک مقدار فاصله هست بین انتهاء مکه تا منی ولی فاصله خیلی کم هست. آیا معیار در تجاوز از بیوت مکه و جواز نوم بین مکه و منی برای این شخص، مکه قدیمه هست یا مکه جدیده را هم باید بگذارند و بیرون بیاید از مکه جدیده که عملا اگر این مطلب دوم را بگوییم بی نتیجه می‌شود این بحث؛‌ چون بعد از خروج از مکه جدیده فاصله تا منی بسیار کم هست.

ما صحیحه محمد بن اسماعیل را که ملاحظه می‌کنیم قید زده. اذا جاز عقبة المدنیین فلاباس ان ینام. و ظاهرش این است که این قید احترازی است؛ چون زمان امام کاظم علیه السلام یا امام رضا علیه السلام، عن ابی الحسن حالا یا امام کاظم علیه السلام است یا امام رضا علیه السلام است که بعید نیست محمد بن اسماعیل بن بزیع از امام رضا نقل کند زمان این دو بزگوار مکه توسعه پیدا کرده بود. عقبة‌ المدنیین حد مکه زمان پیامبر است. و الا در روایات داریم و حدّ مکة عقبة‌ المدنیین لابیوت ابطح فان الناس قد احدثوا بمکة ما لم یکن. امام صادق علیه السلام فرمود برای قطع تلبیه معیار دخول یا مشاهده خانه‌‌های مکه قدیمه است و بدانید حد مکه قدیمه عقبة‌ المدنیین است یک گردنه ای بود که اهل مدینه از آن گردنه وارد مکه می‌شدند. بعد حضرت فرمود معیار خانه‌های ابطح نیست که بعد از عقبة المدنیین به سمت منی است. بعد امام فرمود فان الناس قد احدثوا بمکة ما لم یکن. مردم مکه را توسعه دادند خانه‌های جدیدی احداث کردند در مکه که توسعه پیدا کرده است مکه امروز. ولی معیار برای قطع تلبیه مکه زمان پیامبر است عقبة المدنیین.

این صحیحه محمد بن اسماعیل معیار برای جواز نوم را قبل از منی خروج از عقبة المدنیین قرار داد. و این اطلاق صحیحه جمیل و صحیحه هشام را تقیید می‌زند و لو ما قائل بشویم مکه مطلق هست. قضیة حقیقیة اطلاقش شامل مکه جدیده هم می‌شود. اما صحیحه محمد بن اسماعیل قید زد گفت اذا جاز عقبة‌ المدنیین فلاباس ان ینام. و بر خلاف برخی از استفتائات که از آقای سیستانی نقل شده که معیار مکه جدیده است نخیر؛ ظاهر این ادله این است که معیار مکه زمان پیامبر است. یعنی راحت؛ شما از آن حالا پل حجون است عقبة المدنیین همان حدود است خارج بشوید بیایید سمت معابده و بعد از آن، راحت، اگر هتل تان آنجا است بروید در هتل بخوابید ولی به شرطی که مشغول طواف بالبیت از مناسک حج شده باشید.

[سؤال: ... جواب:] عقبة المدنیین حد مکه زمان پیامبر است. این صحیحه محمد بن اسماعیل زمان امام کاظم یا امام رضا علیه السلام که مکه توسعه پیدا کرده بود در عین حال امام فرمود معیار عقبة المدنیین است یعنی معیار مکه فعلی نیست. معیار مکه زمان رسول الله است. اذا جاز عقبة‌ المدنیین است فلاباس ان ینام. تقیید می‌زنیم اطلاق مکه را در آن دو صحیحه. می‌گوییم مراد مکه زمان رسول الله است. ... ببینید! تقیید باید عرفی باشد. قم الان با قم زمان حضرت معصومه که چهار تا خانه فرض کنید اطراف همین بیت النور بود خیلی فرق می‌کند. اما اگر بیاییم مثلا قم قبل از انقلاب را که انتهائش دور شهر است با مثلا قم الان حساب کنیم شاید اینجا تقیید عرفی باشد اگر بگویند قم بعد بگویند مرادمان قم زمان انقلاب است. این عرفی است. چرا عرفی نیست؟ فرق می‌کند با قم هزار و چندسال قبل که خیلی کوچک بوده. بهرحال زمان امام صادق علیه السلام یا زمان امام کاظم یا زمان امام رضا علیهما السلام مکه پیامبر خیلی توسعه که پیدا نکرده بود یک مقدار توسعه پیدا کرده بوده و لذا اطلاق جاوز مکة تقیید بخورد بگوید مراد ما از تجاوز مکه تجاوز از مکه قدیمه است یک مقدار تقیید می‌خورد اطلاق مکه این کاملا عرفی است. مخصوصا که اطلاق تجاوز از مکه در صحیحه هشام و صحیحه جمیل موافق با احتیاط است. موافق با احتیاط است آن اطلاق. بگذار از مکه جدید زمان امام صادق و امام کاظم یا امام رضا علیه السلام خارج بشود بعد بخوابد این‌که موافق با احتیاط است. حالا یک روایت دیگری صحیحه محمد بن اسماعیل می‌گوید معیار تجاوز از عقبة المدنیین است برای جواز نوم فی الطریق و عقبة المدنیین حد مکه زمان پیامبر بوده و کاملا این تقیید عرفی هست. و لذا ما ملتزم می‌شویم من طاف بالبیت الذی هو من مناسک الحج لا الطواف المندوب ظاهر طاف طوافی است که جزء مناسک حج است طاف بالبیت. ثم، حالا سعی بجا آورد یا بجا نیاورد علی القاعدة سعی هم بجا می‌آورد کامل بشود طاف و سعی فاصله نیفتد سعی از طواف. طواف کرد سعی کرد آمد بیرون مکه قدیمه بیرون عقبة‌ المدنیین جایز است بخوابد و لو به منی نرسد. و به نظر ما جائز است که در همان هتل‌های مجاور که راه به سمت منی هست می‌تواند بخوابد.

این راجع به این مطلب.

بحثی که در اینجا باقی مانده این است که کسی که مشغول مناسک حج است در مکه شب یازدهم مثلا یا شب دوازدهم بنابر نظر صحیح که جائز است اشتغال به مناسک حج این آیا واجب است طلوع فجر در منی باشد؟ یا مستحب است طلوع فجر در منی باشد؟ و یا تفصیل دارد؟ و همین‌طور همین حکم جواز نوم فی الطریق بین مکة و منی،‌ آیا مطلق است یا اختصاص به بعضی از اقسام دارد؟ این مطلبی است که آقای زنجانی متعرض شدند. فرمودند ما پنج قسم داریم. نمی‌شود این پنج قسم را یکی کرد. مطلقا بگوییم یجب ان یکون حال طلوع الفجر فی منی یا بگوییم یستحب ان یکون فی منی یا بیاییم بگوییم یجوز ان ینام فی الطریق بین مکة و منی. نخیر. پنج قسم است این پنج قسم ممکن است حکمش فرق بکند. ایشان شروع کردند این اقسام را ذکر کردند. ما این اقسام را ابتداء ذکر کنیم بعد ادله‌ای که ممکن است از مطالب ایشان در بحث برای این تقسیم بندی پنج‌گانه ایشان بشود به دست آورد عرض کنیم.

پنج قسم این است:

قسم اول: قبل از رسیدن شب از منی خارج بشود و تا اذان صبح مشغول مناسک حج باشد، قبل از غروب آفتاب از منی خارج شد و تا اذان صبح مشغول مناسک حج شد. البته با مقدمات با مستحبات با رفع حوائج ضروریه مخصوصا شب‌های تابستان هم باشد که سریع می‌گذرد.

این فرض را فرمودند که جائز است این شخص کل شب را در مکه مشغول مناسک حج باشد و بقائش در خود مکه در هنگام اذان صبح جائز است. هر چند از روایات استفاده کردیم که این کار مکروه است. اولی این است که از مکه خارج بشود و هنگام طلوع فجر به منی برود. اما حکم الزامی ندارد. می‌تواند کل شب را در مکه مشغول مناسک حج باشد تا طلوع فجر.

صورت دوم قسم دوم:

قسم دوم این است که قبل از رسیدن شب از منی خارج شود مثل فرض اول مثل قسم اول، و لکن اعمال حجش زودتر از اذان صبح تمام بشود به نحوی که بتواند موقع اذان صبح بیاید منی. این هم قسم دوم. خروجش از منی در روز بوده، قبل از شب، ولی اعمالش زودتر از اذان صبح تمام شد به نحوی که اذان صبح را می‌تواند بیاید منی.

در این صورت فرموده واجب هست که بیاید منی موقع اذان صبح. و ظاهر کلام ایشان این است که آن جواز نوم فی الطریق مربوط به این شخص نیست. جواز نوم فی الطریق که آقای خوئی مطلق گفت، من طاف بالبیت جاز له ان ینام فی الطریق بعد الخروج من مکة ایشان می‌فرمایند که این حکم مربوط به این قسم دوم نیست که قبل از فرارسیدن شب از منی خارج شده و آمده برای اعمال حج و قبل از اذان صبح اعمال را تمام کرده و می‌تواند برگردد به منی، اذان صبح را در منی درک کند این باید اذان صبح برود منی. خواب بین مکه و منی مربوط به این شخص نیست.

قسم سوم کسی است که بعد از رسیدن شب از منی خارج شده. اذان مغرب و عشاء را در منی بوده و فرض کنید نماز و مغرب و عشاء را خواند و شامش را هم خورد. مثلا عرض می‌کنم. آمد مکه. اما ماشاء الله آنقدر اعمال را سریع تمام کرد که هنوز نصف شب نشده بود.

احتیاط مستحب این است که نصف شب را برگردد منی. اما فتوی چیه؟ فتوی این است: باید اذان صبح یا در منی باشد یا از مکه خارج شده باشد؛ از عقبة المدنیین خارج شده باشد. و خواست بین راه بخوابد بلامانع است.

این قسم سوم باز تکرار می‌کنم کسی است [که] خرج من منی بعد دخول اللیل، اعمال را بعد از نیمه شب تمام کرد احتیاط مستحب این است که نیمه شب منی باشد ولی این لازم نیست یا هنگام اذان صبح در منی باشد یا این‌که از مکه خارج شده باشد و بین راه استراحت کرده باشد و لو قبل از منی.

قسم چهارم این است که بعد از رسیدن شب از منی خارج شده. مثل همین قسم سوم. اعمالش را قبل از نیمه شب شروع کرد ولی بعد از نیمه شب تمام کرد. اعمالش را در این قسم رابع قبل از نیمه شب شروع کرده ولی بعد از نیمه شب تمام کرده.

ایشان می‌گویند این قسم رابع بنابر احتیاط واجب حکمش این است که موقع اذان صبح در منی باشد.

من حدس می‌زنم ایشان می‌خواهد بگوید احتیاط واجب در این قسم چهارم همان حکم قسم سوم است. و آن این است که یا هنگام اذان صبح در منی باشد یا از مکه خارج شده باشد و بین راه بخوابد. و لو عبارت این را ندارد. در قسم رابع گفت الاحوط وجوبا ان یکون حین طلوع الفجر بمنی. در این قسم رابع نگفت او یکون خارج المکة القدیمة و ینام و فی الطریق دون منی. با این‌که در قسم ثالث این تخییر را تصریح کرد. من حدسم این است که در این قسم رابع هم ایشان قائل به این تخییر هست. فقط فرقش این است که در قسم رابع فتوی نمی‌دهد به وجوب عود الی منی هنگام اذان صبح؛ می‌گوید الاحوط وجوبا العود الی منی حین طلوع الفجر. بر خلاف قسم سوم که فتوی داد. یعنی در این قسم چهارم احتمالش هست که کسی بگوید که اصلا ماندن در مکه برای این شخص جائز است در این قسم چهارم. در این قسم چهارم احتمالش هست کسی بگوید ماندن در مکه بر این شخص جائز است. ولی احتیاط واجب خلاف این را می‌گوید.

[سؤال: ... جواب:] چون این قسم رابع اسوء از قسم ثالث که نیست. در قسم ثالث شما اجازه دادید کسی بود اول شب در منی بود و قبل از نصف شب اعمالش تمام تمام شد در مکه به او اجازه دادید گفتید آقا مجازید از مکه قدیمه بیرون، بین راه بخوابی، عودت الی منی هنگام طلوع فجر لازم نیست. آن وقت در این قسم رابع احتیاط واجب بکنیم که خواب بین راه نمی‌شود باید اذان صبح در منی باشیم؟‌ این خیلی بعید است. و لذا من استظهارم این است که در قسم رابع ایشان احتیاط واجب می‌کند ان یکون حین طلوع الفجر بمنی یعنی می‌خواهد بگوید من احتمال می‌دهم ماندنش در مکه جائز باشد هنگام اذان صبح. آن تخییری که در قسم ثالث فتوی دادیم و گفتیم جائز نیست در مکه بماند در قسم سوم ولی مخیر یا در منی باشد هنگام اذان صبح یا در بین راه بخوابد، در قسم رابع احتیاط می‌کنیم احتیاط واجب می‌کنیم چون احتمال می‌دهیم در قسم رابع اصلا ماندنش در مکه جائز باشد.

قسم پنجم این است که شب از منی خارج شده، اعمالش را هم بعد از نصف شب شروع کرده، موقع نصف شب هیچ، در هتل خوابیده بود، ساعت فرض کنید هشت شب از منی خارج شد، سریع آمد هتل گفت خیلی خوابم می‌آید، گرفت خوابید ساعت یک و دو. تازه ساعت یک و دو رفته برای اعمال. این قسم پنجم است که شروعش در اعمال بعد از نصف شب است. ولی قبل از طلوع فجر می‌تواند برگردد منی.

ایشان می‌فرمایند نه؛ لازم نیست برگردی. در همان مکه بمان. برو در همان زیرزمین مسجد الحرام بگیر بخواب. خروج از مکه قدیمه لازم نیست. عود الی منی لازم نیست. کسی بود این قسم خامس که شب را در ابتداء در منی بود، شروعش در اعمال حج بعد از نیمه شب بود، می‌تواند برگردد منی هنگام طلوع فجر اما لازم نیست. در همان مکه قدیمه بماند استراحتش را بکند، قرآنش را بخواند. البته مکروه است این مطلب. کل مکروه جائز، حالا مکروه است اما جائز که هست. یجوز ان یصبح بمکة‌ و لکن علی کراهیة.

این پنج قسم که ایشان بیان کرد.

دلیل بر این پنج قسم چیه؟ ما حالا یک دلیل‌هایی برای ایشان سعی کردیم پیدا کردیم از لابلای کلامات ایشان در بحث استدلالی.

اما قسم اول:

قسم اول این بود که تمام شب خارج منی بود. قبل از غروب آفتاب مثلا شب یازدهم از منی خارج شد آمد برای اعمال حج تا اذان صبح هم طول کشید. ایشان می‌فرماید این به نظر ما جائز است. دلیل ما دو تا صحیحه است:

یکی صحیحه معاویة بن عمار است. خوب گوش بدهید. سألته عن الرجل زار عشاءً فلم یزل فی طوافه و دعائه و السعی بین الصفا و المروة حتی یطلع الفجر قال لیس علیه شیء کان فی طاعة الله.

ایشان می‌فرمایند یک وقت به ما اشکال نکنید که این موضوعش زار عشاء است در حالی که در قسم اول گفتیم از اول شب این آقا بیرون منی بود. زار عشاء ظاهرش این است که شب از منی خارج شد. ایشان می‌گویند بله، قبول است، اما العلة تعمم. کان فی طاعة الله. ترک مبیت به منی و اشتغال به مناسک حج مصداق طاعة الله است. چه فرق می‌کند قبل از غروب آ‌فتاب از منی خارج بشویم یا اول شب از منی خارج بشویم؟ چه فرق می‌کند؟

این یک دلیل.

[سؤال: ... جواب:] زار عشاء. ببینید! این را ان شاء الله فردا عرض می‌کنیم. زار عشاء در روایات یا زار بعد نصف اللیل در روایات قرینه داریم یعنی خرج من منی. یعنی مبدأ شروعش در زیارت از منی شب بود. ان زار بالنهار او عشاء ان زار بعد نصف اللیل خود ایشان هم این را قبول دارد. فردا توضیح می‌دهیم ان شاء الله یعنی خروجش در این زمان بوده از منی. ان زار عشاء یعنی عشاء از منی خارج شد برای زیارت. ولی می‌گویند ایشان العلة تعمم.

صحیحه دوم صحیحه صفوان است. ایشان می‌فرمایند در صحیحه صفوان فرض شده کسی تمام شب را در مکه بود امام فرمود علیه شاة تمام شب را در مکه بود امام فرمود علیه شاة. راوی می‌گوید انه انما حبسه شأنه الذی کان فیه من طوافه و سعیه لم یکن لنوم و لا لذة. می‌گوید یابن رسول الله حالا فرض را عوض می‌کنیم. این آقائی که تمام شب را در مکه بود تا حالا فرض این بود که داعی نفسانی داشت. حالا فرض می‌کنیم که بخاطر طواف و سعی این کار را کرد. حضرت فرمود ما هذا بمنزلة هذا و ما احب ان ینشق له الفجر الا و هو بمنی. ولی دوست ندارم همین هم که تمام شب را مشغول عبادت است اذان صبح خارج منی باشد.

خب حمل می‌شود بر کراهت.

این هم صحیحه دوم.

بقیه مطالب ان شاء الله فردا.